

ارزیابی اثر آزادسازی تجاری بر فساد کشورهای منتخب منطقه منا

Kohansal@um.ac.ir

محمدرضا کهنسال

استاد اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

Milad.aminizadeh@mail.um.ac.ir

میلااد امینی زاده

دانشجوی دکتری اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد

پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۳

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰

چکیده: فساد از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های شاخص‌های اقتصادی و تجاری است. اما آن چیزی که امروزه اهمیت بالایی دارد این است که چه مولفه‌هایی فساد را تقویت و تضعیف می‌کنند. آزادسازی تجاری از متغیرهای اثرگذار بر فساد است که ادبیات پژوهش دو دیدگاه متفاوت را مبنی بر اثر آن بر فساد دارد. دیدگاه اول، بر اثر منفی و تضعیف‌کننده آزادسازی تجاری بر فساد تاکید دارد، در حالی که دیدگاه دوم، اعتقاد بر اثر فزاینده این متغیر بر فساد دارد. هدف پژوهش حاضر، پاسخ به این پرسش است که در کشورهای منتخب منطقه منا، آزادسازی تجاری موجب بهبود فساد می‌شود یا این که آن را تشدید می‌کند؟ برای دستیابی به این هدف، داده‌های ده کشور منطقه منا در دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۳ با استفاده از روش داده‌های تابلویی ارزیابی شدند. نتایج نشان می‌دهند که افزون بر اثر منفی درآمد سرانه و شاخص‌های کیفیت نهادی چون حاکمیت قانون، ثبات سیاسی، و کیفیت مقررات، متغیر آزادسازی تجاری اثری کاهنده و معنادار بر فساد دارد. به عبارتی دیگر، افزایش تجارت و ایجاد فضای رقابتی و همچنین تعامل با کشورهایی با ساختارهای نظام‌مند و فساد کمتر، کشورهای منطقه منا را به سمت بهبود فضای نهادی و قانونی سوق می‌دهد که نتیجه آن کاهش فساد است. بر اساس این، نتایج ما دارای راهکارهای پژوهشی و اجرایی است.

کلیدواژه‌ها: آزادسازی تجاری، فساد، کشورهای منا، داده‌های تابلویی، حاکمیت قانون، ثبات

سیاسی، کیفیت مقررات

طبقه‌بندی JEL: F14, D73, C23

مقدمه

فساد پدیده‌ای حاضر در همه کشورهای دنیا است و همه کشورها در مقیاس‌های مختلف با آن روبرو هستند. فساد به دلیل اثرهای منفی بر رشد و توسعه اقتصادی مورد پسند کشورها نیست (Saha & Ali, 2017). فساد، مانع ارائه خدمات عمومی و موجب افزایش نابرابری می‌شود و یکی از عوامل جلوگیری از سرمایه‌گذاری است که از آن به عنوان مهم‌ترین مانع دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی نام برده می‌شود.^۱ سه نظریه عمده در ارتباط با فساد وجود دارد. گروه اول، معتقدند که فساد می‌تواند با شکستن قوانین محدودکننده کشورها کمک‌کننده جامعه باشد (Lui, 1985; Leff, 1964). در حالی که گروه دوم فساد را مانع توسعه و پیشرفت اقتصادی قلمداد می‌کنند (Alam, 1989). گروه سوم نیز معتقدند که اثرگذاری فساد بر کارایی اقتصاد بستگی به قدرت و ساختار دولت‌ها دارد (Shleifer & Vishny, 1993; Rose-Ackerman, 2013). با وجود نظریه‌های بیان‌شده، این نکته قابل توجه است که فساد ممکن است در کوتاه‌مدت در کشورهایی با اقتصادهای بسته، منافع اقتصادی و اجتماعی به همراه داشته باشد، ولی این امر در بلندمدت آثار زیان‌باری برای کشورها دارد و نیاز است که کشورها و مردم جامعه که به نوعی از فساد موجود سود برده‌اند، هزینه‌های بسیاری را برای کاهش و حذف فساد بپردازند (Torrez, 2002).

با بررسی ادبیات فساد این نکته بیان‌پذیر است که فساد از مولفه‌های اقتصادی، نهادی، سیاسی، اجتماعی، و جغرافیایی نشئت گرفته و اثرهای زیان‌باری بر همه بخش‌های کشور به‌ویژه بخش اقتصادی دارد. فساد، پیامدهای گسترده‌ای بر هر کشور داشته که از مهم‌ترین آن‌ها در حوزه اقتصاد می‌توان به افزایش نابرابری (Jong-Sung & Khagram, 2005; Gupta *et al.*, 2002)، انحراف در تخصیص منابع و اتلاف آن (Mashal, 2011)، کاهش بهره‌وری تولید (De Rosa *et al.*, 2015)، انحراف در بازار و کاهش رقابت و تجارت (Musila & Sigué, 2010; De Jong & Bogmans, 2011)، ایجاد اقتصادهای زیرزمینی (Johnson *et al.*, 1998)، کاهش سرمایه‌گذاری (Habib & Zurawicki, 2002)، کاهش انگیزه‌های بخش خصوصی (Campos, 2010; Seker & Yang, 2012)، کاهش رشد اقتصادی (Okafor *et al.*, 2014; Alam, 1989) و جلوگیری از توسعه اقتصادی (d'Agostino *et al.*, 2016) اشاره کرد.

همان‌طور که بیان شد، فساد خاستگاه مختلفی دارد. از این‌رو، امروزه پژوهشگران به دنبال

1. World Bank (2011). Annual Report. (www.worldbank.org)

دستیابی به این موضوع هستند که چه مولفه‌هایی بر این پدیده اثرگذار هستند. با وجود این، در گذشته تعداد بسیار کمی از پژوهش‌ها به ارزیابی اثرهای اقتصاد باز و رقابت‌پذیری بر فساد پرداختند. بر اساس این، یکی از موضوع‌هایی که امروزه پژوهشگران آن را ابزاری مناسب برای مبارزه با این پدیده مورد بررسی قرار دادند، آزادسازی تجاری است. با وجود پژوهش‌های گوناگون در این حوزه، ادبیات فساد با یک عدم اجماع در خصوص اثرگذاری آزادسازی تجاری بر فساد کشورها رنج می‌برد. در نتیجه، با توجه به نبود پژوهشی مشابه در حوزه ارزیابی اثر آزادسازی تجاری بر فساد کشورهای منتخب منطقه منا، هدف پژوهش حاضر، پاسخ به این پرسش است که در منطقه منا کدام یک از این فرضیه‌ها صحیح است؟ به عبارتی دیگر، آزادسازی تجاری اثری کاهنده بر فساد داشته یا این اثر فزاینده است؟ بر اساس این، می‌توان بیان داشت که برخلاف پژوهش‌های پیشین، نوآوری پژوهش حاضر بررسی نحوه رابطه بین فساد و آزادسازی تجاری در منطقه منا است که عمدتاً از کشورهای نفت‌خیز هستند و از فساد بالا نیز رنج می‌برند.

سازماندهی پژوهش پیش رو به این صورت است که در بخش دوم، مبانی نظری آزادسازی تجاری و فساد مورد بررسی قرار می‌گیرد. بخش سوم، به بررسی پیشینه پژوهش‌های تجربی در این حوزه اختصاص دارد. در بخش چهارم، روش‌شناسی پژوهش و خلاصه‌ای از داده‌های آماری پژوهش ارائه می‌شود. بخش پنجم، به ارائه نتایج تجربی پژوهش و بحث پیرامون نتایج اختصاص دارد. نتیجه‌گیری کلی و پیشنهادهای مرتبط با اقتصاد ایران نیز در بخش پایانی پژوهش ارائه می‌گردد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فساد تعاریف متعددی دارد که جامع‌ترین آن سوء استفاده از قدرت سپرده‌شده به منظور سود شخصی و گروهی است که بزرگ‌ترین مانع توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها است (Saha & Ali, 2017) و هزینه‌های اقتصادی زیادی برای کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته به همراه دارد (Sassi & Ali, 2017). فساد دسته‌های گوناگونی دارد که می‌توان دریافت و پرداخت رشوه به صورت انفرادی یا در خرید عمومی دولت از سوی مقامات دولتی، فروش اموال عمومی توسط مقامات دولتی، و سوء استفاده از وجوه دولتی را به عنوان اصلی‌ترین مصادیق آن برشمرد (Saha & Ali, 2017; Reinikka & Svensson, 2005).

در ارتباط با نحوه اثرگذاری آزادسازی تجاری بر فساد، دو دیدگاه نظری دیده می‌شود. با توجه به پژوهش‌های معدود موجود در این رشته، اثر متغیر آزادسازی تجاری بر فساد کشورها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

آدس و دی‌تلا^۱ (۱۹۹۷) برای نخستین بار متغیر آزادسازی تجاری را به عنوان شاخصی از اقتصاد باز بر فساد مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج آن‌ها که با استفاده از داده‌های گزارش رقابت‌پذیری جهانی به دست آمده بود، نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری کشورها اثر منفی و معناداری بر فساد دارد. به بیانی دیگر، کشورهایی با آزادی تجاری بیشتر، از فساد کمتری برخوردار هستند و با افزایش آزادی تجاری می‌توان فساد را کاهش داد. البته آن‌ها بیان داشتند که این نتایج تعمیم‌پذیر به کل کشورها نیست؛ چراکه داده‌های مورد استفاده، مربوط به کشورهایی با ساختار صنعتی پیشرفته بوده است. ولی ممکن است که این نتیجه برای کشورهایی با ساختارهای کمتر صنعتی متفاوت باشد.

یونگ - سونگ و خاگرام^۲ (۲۰۰۵) در پژوهشی به ارزیابی اثر فساد بر نابرابری پرداختند. در بخش نخست، مولفه‌های اثرگذار را بر فساد مورد ارزیابی قرار دادند و در بخش دوم، اثر فساد را بر نابرابری بررسی کردند. نتایج پژوهش که با استفاده از داده‌های ۱۲۹ کشور به دست آمد، نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری کشورها اثری مثبت و معنادار بر فساد کشورها داشته است. با افزایش آزادسازی تجاری کشورها، فساد نیز افزایش می‌یابد که در نهایت، منجر به افزایش نابرابری در کشورها می‌شود. تاوارز^۳ (۲۰۰۷) به ارزیابی اثر آزادسازی سیاسی و تجاری بر فساد در دوره زمانی ۲۰۰۱-۱۹۸۴ پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که با وجود آن که آزادی سیاسی می‌تواند کاهش‌دهنده فساد باشد، ولی آزادسازی تجاری می‌تواند آن را افزایش دهد. نتایج بیان می‌کند که در صورت همزمانی آزادی سیاسی و تجاری، این دو عامل می‌تواند کاهش‌دهنده فساد باشند؛ در حالی که اگر آزادی سیاسی با فاصله زمانی طولانی‌تری نسبت به آزادی تجاری صورت گیرد، موجب فساد بیشتر می‌شود. همچنین، در صورتی که کشوری ابتدا به آزادی سیاسی دست یابد، اگر آزادی تجاری آن با فاصله بیشتر از پنج سال باشد، این متغیر می‌تواند افزایش‌دهنده فساد باشد. در نتیجه، وی معتقد است که این دو اصلاحات باید به صورت همزمان با یکدیگر و با فاصله زمانی اندکی انجام شود.

دونگ و تورگلر^۴ (۲۰۱۳) به بررسی عوامل تعیین‌کننده بر فساد در استان‌های چین در دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۸ پرداختند که نتایج نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری اثری منفی و معنادار بر سطح فساد در این کشور دارد. با توجه به نتیجه به دست آمده، با فراهم‌سازی فضای رقابتی بیشتر از راه آزادسازی تجاری، میزان فساد کاهش می‌یابد.

1. Ades & Di Tella
2. Jong-Sung & Khagram
3. Tavares
4. Dong & Torgler

جدول ۱: بررسی جهت اثر گذاری متغیر آزادسازی تجاری بر فساد در پژوهش‌ها

پژوهش	جامعه آماری	دوره پژوهش	نتایج کلیدی
آدس و دی‌تلا (۱۹۹۷)	۷۰ کشور	۱۹۸۰-۱۹۸۳	بنابر نتایج این پژوهش، آزادسازی تجاری اثر منفی و معنادار بر فساد داشته و افزایش آن موجب کاهش فساد می‌شود. در حالی که افزایش تولید ناخالص داخلی اثری فزاینده بر فساد دارد.
آدس و دی‌تلا (۱۹۹۹)	۸۳ کشور	۱۹۸۰-۱۹۸۳ ۱۹۸۹-۱۹۹۰	بر اساس نتایج متغیر آزادسازی تجاری، توسعه اقتصادی، سطح تحصیلات، و دموکراسی اثر منفی و معنادار بر فساد کشورها دارند.
بوناگلیا ^۱ و همکاران (۲۰۰۱)	۱۸۱ کشور	۱۹۸۰-۱۹۸۵ ۱۹۸۸-۱۹۹۲ ۱۹۹۵-۱۹۹۸	متغیرهای آزادسازی تجاری، دموکراسی، و آزادی اطلاعات اثر منفی و معنادار، و متغیر منابع طبیعی اثر مثبت و معنادار بر فساد دارند.
براون و دی‌تلا ^۲ (۲۰۰۴)	۷۵ کشور	۱۹۸۲-۱۹۹۴	متغیر آزادسازی تجاری اثر مثبت اما بی‌معنی بر فساد دارد. در حالی که متغیرهای توسعه اقتصادی و دموکراسی اثر کاهنده بر فساد دارند.
یونگ - سونگ و خاگرام (۲۰۰۵)	۱۲۹ کشور	۱۹۹۶-۲۰۰۲	متغیرهای آزادسازی تجاری، درآمد سرانه، و حقوق سیاسی اثر مثبت و معنادار بر فساد دارند و موجب افزایش فساد کشورها می‌شوند.
تاوارز (۲۰۰۷)	۱۰۱ کشور	۱۹۸۴-۲۰۰۱	نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در حالت‌های مختلف آزادسازی تجاری اثرهای متفاوتی دارند. به‌گونه‌ای که در برخی از حالت‌ها اثر مثبت و معنادار و در برخی دیگر اثر منفی و معنادار بر فساد دارند.
درهر ^۳ و همکاران (۲۰۰۷)	۱۰۰ کشور	۱۹۷۶-۱۹۹۷	متغیر آزادسازی تجاری اثر مثبت اما بی‌معنی و متغیرهای توسعه اقتصادی، تحصیلات، و حاکمیت قانون اثر منفی و معنادار بر فساد دارند.
پلگرینی و گرلاقی ^۴ (۲۰۱۱)	۱۰۶ کشور	۱۹۹۴-۲۰۰۳	متغیرهای آزادسازی تجاری، توسعه اقتصادی، و دموکراسی اثر منفی بر فساد دارند که این اثر برای آزادسازی تجاری معنادار نیست.

1. Bonaglia *et al*
2. Braun & Di Tella
3. Dreher *et al*
4. Pellegrini & Gerlagh

ادامه جدول ۱: بررسی جهت اثرگذاری متغیر آزادسازی تجاری بر فساد در پژوهش‌ها

پژوهش	جامعه آماری	دوره پژوهش	نتایج کلیدی
دات ^۱ (۲۰۰۹)	۸۲ کشور	۱۹۸۴-۲۰۰۴	آزادسازی تجاری نقش موثری در کاهش فساد میان کشورها دارد. نتایج بیانگر اثر مثبت اما بی‌معنی درآمد سرانه را بر فساد نشان می‌دهد.
آکا ^۲ و همکاران (۲۰۱۲)	۹۷ کشور	۲۰۰۲-۲۰۱۰	آزادسازی تجاری بر کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه اثر معناداری ندارد، در حالی که موجب افزایش فساد در کشورهای توسعه‌یافته می‌شود. تورم نیز در هر سه گروه اثر منفی و معنادار بر فساد دارد. درآمد سرانه و تحصیلات اثر مثبت و معنادار بر فساد و آزادسازی تجاری اثر منفی و معنادار بر فساد دارند.
دونگ و تروگلر (۲۰۱۳)	چین	۱۹۹۸-۲۰۰۷	متغیر آزادسازی تجاری اثر مثبت و معنادار و متغیرهای آزادی اقتصادی و حاکمیت قانون اثر منفی و معنادار بر فساد دارند.
مجید ^۳ (۲۰۱۴)	۱۴۶ کشور	۱۹۸۴-۲۰۰۷	متغیرهای آزادسازی تجاری و دموکراسی اثر منفی و معنادار بر فساد دارند.
گورگور و شاه ^۴ (۲۰۱۴)	۳۰ کشور	-	متغیرهای آزادسازی تجاری و دموکراسی اثر منفی و معنادار بر فساد دارند.
بادینگر و نیندل ^۵ (۲۰۱۴)	۱۰۲ کشور	۱۹۹۵-۲۰۰۵	متغیرهای آزادسازی تجاری، آزادسازی مالی، و سرمایه انسانی اثر منفی و معنادار بر فساد دارند. در حالی که متغیرهای منابع طبیعی و نابرابری موجب افزایش فساد می‌شوند.
مجید (۲۰۱۶)	۱۲۲ کشور	۱۹۸۴-۲۰۰۴	آزادسازی تجاری اثر مثبت و معنادار، و متغیرهای حاکمیت قانون، دموکراسی، و کیفیت بروکراسی اثر منفی و معنادار بر فساد دارند.
ساسی و علی (۲۰۱۷)	۴۷ کشور آفریقایی	۱۹۹۶-۲۰۱۴	متغیرهای آزادسازی تجاری، تورم، و جمعیت اثر منفی و معنادار، و متغیرهای درآمد سرانه، حاکمیت قانون، و میزان استفاده از اینترنت و موبایل اثر مثبت و معنادار بر فساد دارند.
آلفانو ^۶ و همکاران (۲۰۱۸)	۱۵۰ کشور	۱۹۸۴-۲۰۱۰	آزادسازی تجاری اثر مثبت اما بی‌معنی، و متغیر درآمد سرانه با یک‌سال وقفه اثر مثبت و معنادار بر فساد دارند.

1. Dutt
2. Akça *et al*
3. Majeed
4. Gurgur & Shah
5. Badinger & Nindl
6. Alfano *et al*.

مجید (۲۰۱۴) با بررسی اطلاعات ۱۴۶ کشور در دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۸۴ نشان می‌دهد که اثر آزادسازی تجاری بر فساد به صورت برآورد خطی مثبت بوده و آزادسازی تجاری موجب فساد بیشتر شده است. او نتایج را نیز به صورت غیرخطی برآورد می‌کند و نشان می‌دهد که برخلاف اثر مثبت خطی آزادسازی تجاری بر فساد، اثر غیرخطی آن منفی و معنادار است. نتایج وی در ادامه نشان‌دهنده این است که بهبود کیفیت نهادها و درآمد سرانه افراد مولفه‌های کاهش‌دهنده فساد هستند. بادینگر و نیندل (۲۰۱۴) در پژوهشی به ارزیابی اثر جهانی شدن بر فساد پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها گویای این است که آزادسازی تجاری و مالی اثر منفی بر فساد دارد. به عبارتی دیگر، کشورهای با آزادی بیشتر تجاری از فساد کمتری برخوردارند. همچنین، آن‌ها تاکید دارند که این نتیجه در کشورهای در حال توسعه از شدت بیشتری برخوردار است.

ساسی و علی (۲۰۱۷) در پژوهش خود با استفاده از اطلاعات ۴۷ کشور آفریقایی در دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۶، به بررسی عوامل موثر بر فساد در آفریقا پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری اثری منفی و معنادار بر افزایش فساد در کشورهای آفریقایی دارد. با افزایش آزادسازی تجاری، میزان فساد در کشورهای آفریقایی که عمدتاً کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته هستند، کاهش می‌یابد.

آفانو و همکاران (۲۰۱۸) به ارزیابی مولفه‌های اثرگذار بر فساد پرداختند. آن‌ها در این پژوهش متغیر صادرات (با یک وقفه) را به عنوان متغیر آزادسازی تجاری در الگو وارد کردند. نتایج نشان می‌دهد که افزایش صادرات اثری مثبت و معنادار بر فساد دارد. یعنی، افزایش صادرات در سال گذشته، منجر به افزایش فساد در سال جاری می‌شود. بنا بر آنچه بیان شد، شواهدی مبنی بر اثر آزادسازی تجاری بر کاهش و افزایش فساد وجود دارد. با وجود آن که بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته گویای اثر منفی و معنادار آزادسازی تجاری بر فساد هستند، ولی شواهد تجربی وجود دارد که نشان می‌دهد، ممکن است که این رابطه معکوس باشد (نگاه کنید به جدول ۱).

آزادسازی تجاری و فساد

فساد در همه جوامع وجود دارد و متناسب با میزان گستردگی آن بر جوامع تاثیر می‌گذارد. بر اساس تعریف سازمان شفافیت بین‌المللی (۲۰۱۸) فساد به‌طور کلی به صورت "سوء استفاده از قدرت سپرده‌شده برای سود شخصی" تعریف می‌شود که می‌توان با توجه به مقدار پول از دست‌رفته

و بخشی که در آن رخ می‌دهد، در سه دسته کلی بزرگ، کوچک، و سیاسی طبقه‌بندی کرد. فساد بزرگ شامل اقدام‌هایی است که در سطح بالایی از دولت‌ها اتفاق می‌افتد و موجب انحراف سیاست‌ها یا عملکرد دولت و رهبران به نفع هزینه در کالاهای عمومی می‌شود. این نوع از فساد، به نفع تعداد کمی از مردم است و آسیب جدی و گسترده به افراد و جامعه وارد می‌کند. فساد کوچک یا جزئی به سوء استفاده روزمره از قدرت سپرده‌شده توسط مقامات دولتی در سطوح میانی و پایینی در تعامل با شهروندان عادی اشاره می‌کند و اغلب در حال تلاش برای دسترسی به کالاهای اساسی یا خدمات در مکان‌هایی مانند بیمارستان‌ها، مدارس، اداره‌های پلیس و سایر اداره‌های دولتی هستند (Nguyen *et al.*, 2016). فساد سیاسی تغییر ضوابط (دستکاری) سیاست‌ها، نهادها، و قوانین در تخصیص منابع و تامین مالی توسط تصمیم‌گیرندگان سیاسی است که از موقعیت خود برای حفظ قدرت، وضعیت، و ثروت خود استفاده می‌کنند (Saha & Ali, 2017).

هزینه فساد را می‌توان به چهار دسته اصلی تقسیم کرد: سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و محیط‌زیست (Transparency International, 2018). از نظر سیاسی، فساد یک مانع عمده برای دموکراسی و حاکمیت قانون است (Méon & Sekkat, 2005). از نظر اقتصادی، فساد ثروت ملی را کاهش می‌دهد. سیاستمداران فاسد منابع کمیاب سرمایه‌گذاری را به پروژه‌هایی تخصیص می‌دهند که منافع شخصی در پی دارند. فساد اقتصادی همچنین مانع توسعه ساختارهای بازار منصفانه می‌شود و با تحریف رقابت، مانع سرمایه‌گذاری می‌شود (Saha & Ali, 2017). این نوع از فساد منجر به یک جامعه بی‌پایه و متکبر می‌شود. تخریب محیط‌زیست نتیجه دیگری از نظام‌های فاسد است. فقدان یا عدم اجرای مقررات زیست‌محیطی به این معنی است که منابع طبیعی گران‌بها بی‌سروصدا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و تمام نظام‌های زیست‌محیطی ویران می‌شوند. شرکت‌ها در سراسر جهان به دنبال پرداخت رشوه و بهره‌برداری نامحدود از منابع هستند که نتیجه آن، تخریب نامحدود محیط‌زیست است (Transparency International, 2018).

فساد عاملی اثرگذار بر همه فعالیت‌های یک جامعه است. بانک جهانی در گزارشی که در سال ۲۰۰۱ ارائه کرده است، مهم‌ترین مانع دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی را فساد معرفی کرده است. از این‌رو، امروزه پژوهشگران به دنبال پاسخگویی به این پرسش هستند که دلیل وجود فساد چیست؟ و چرا فساد در همه جای دنیا وجود دارد؟ (Majeed, 2014). نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌ها گویای فهرست بلندی از مولفه‌های اثرگذار همانند مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و نهادی بر فساد هستند.

فساد همواره با رانت همراه است (Torrez, 2002) و سیاست‌های حمایت از تجارت، یک منبع مهم رانت به‌شمار می‌رود. اعمال سیاست‌های مختلف موجب افزایش نفوذ سیاسی و قدرت تصمیم‌گیری صاحبان قدرت می‌شود. در حالی که اقتصادهای باز، ایجادکننده شرایط رقابتی هستند که نفوذ سیاسی را کاهش می‌دهد. در نتیجه، در اقتصادهای باز می‌توان انتظار داشت که با کاهش رانت، فساد نیز کاهش یابد (Torrez, 2002). از این‌رو، بسیاری از پژوهشگران، آزادسازی تجاری را ابزاری موثر برای مقابله با فساد می‌دانند.

کروگر (۱۹۷۴) بیان می‌کند که افزایش محدودیت تجاری، منابع را از فعالیت‌های تولید مستقیم و سودده به سمت فعالیت‌های رانت‌خواری منتقل می‌کند. باگواتی و سرینیواسان^۱ (۱۹۸۰) در پژوهشی به بررسی درآمدهای رانتی پرداختند. آن‌ها بیان داشتند که هرچه میزان محدودیت‌های تجاری وضع شده همانند تعرفه بیشتر باشد، درآمدهای تعرفه‌ای افزایش می‌یابد. پس اقتصاد بسته می‌تواند کسب درآمدهای تعرفه‌ای را افزایش دهد که با رانت واردات همراه است. همچنین، در پژوهشی دیگر باگواتی (۱۹۸۲) نشان می‌دهد که افزایش محدودیت‌های تجاری، ایجادکننده فعالیت‌های غیرمولد و رانت‌محور است. ولی با وجود این‌که در نگاه نخست ممکن است، این موضوع در ذهن تصور شود که آزادسازی تجاری می‌تواند کاهش‌دهنده فساد باشد، پژوهشگران بیان داشتند که این موضوع را نمی‌توان با قاطعیت بیان کرد. بلیس و تلا (۱۹۹۷) در پژوهشی با عنوان «آیا رقابت، فساد را می‌کشد؟» در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نمی‌توان گفت افزایش رقابت کاهش‌دهنده فساد است و ساختارهای دولتی و فساد روبروی دولت‌ها در این موضوع تعیین‌کننده است.

بنابر آنچه بیان شد، دو دیدگاه متفاوت درباره اثر آزادسازی تجاری بر فساد وجود دارد. دیدگاه اول، بیان‌کننده این است که کاهش آزادسازی تجاری موجب ایجاد رانت و فرصت‌های بیشتر برای فساد می‌شود. در حالی که طرفداران دیدگاه دوم، معتقدند که این وضعیت ایجادکننده ارزش‌های اجتماعی بیشتر بوده و جلوگیری‌کننده از فساد است (Majeed, 2014). تریسمن (۲۰۰۰) معتقد است که سطوح آزادسازی تجاری بر افزایش یا کاهش فساد اثرگذار است، به‌گونه‌ای که وی نشان می‌دهد، فرصت‌های فساد در حضور آزادسازی تجاری افزایش می‌یابد، این در حالی است که آزادسازی گسترده تجاری می‌تواند کمک‌کننده برای کاهش فساد باشد. همچنین آدس و دی‌تلا (۱۹۹۹) معتقدند که آزادسازی تجاری می‌تواند بسته به زمان و منطقه اثری متفاوت بر افزایش یا کاهش فساد داشته باشد. الگوهای شماتیک ارائه‌شده در شکل‌های (۱) و (۲) به ترتیب نشان‌دهنده این است که افزایش آزادسازی

تجاری چگونه می‌تواند منجر به افزایش یا کاهش فساد شود. بنابر شکل (۱) دیده می‌شود که افزایش آزادسازی تجاری از راه افزایش قراردادهای تجاری، افزایش واردات، فرصت‌های جدید برای قرارداد و همچنین کاهش بروکراسی و ارزیابی دقیق می‌تواند افزایش دهنده فساد باشد. به عبارتی دیگر، ایجاد فرصت‌های پیش‌آمده به منظور بهره‌مندی از بازار جهانی می‌تواند فرصت مناسبی را برای کسب درآمد و سود بیشتر ایجاد کند. از این‌رو، در رقابت صورت‌گرفته میان شرکت‌ها، همگی به دنبال بهره‌مندی بیشتر و سریع‌تر نسبت به رقبا هستند و این موضوع می‌تواند زمینه‌های لازم را برای فساد همانند پرداخت رشوه فراهم آورد.



شکل ۱. اثر افزایش آزادسازی تجاری بر افزایش فساد (منبع: Majeed, 2014)

در الگوی ارائه شده در شکل (۲) دیده می شود که افزایش آزادسازی تجاری می تواند با کاهش رانت های انحصاری و به دنبال آن، کاهش توانایی و تمایل به پرداخت رشوه موجب بهبود فساد شود. همچنین، عقد قراردادهای بین المللی می تواند موجب بهبود قوانین و شاخص های حکمرانی شود که به دنبال آن میزان فساد کاهش می یابد. از دیگر رو، افزایش آزادسازی تجاری از دو مسیر کاهش رانت های انحصاری و بهبود شاخص های نهادی و حکمرانی شرایط را برای کاهش فساد فراهم می کند.



شکل ۲: اثر افزایش آزادسازی تجاری بر کاهش فساد (منبع: Ades & Di Tella, 1999; Gatti, 2004)

نهادهای حاکمیتی و حکمرانی

نهادهای قوانین بازی در جامعه اند که روابط متقابل انسان ها با یکدیگر را شکل می دهند (غفاری، ۱۳۹۳). به عبارت دیگر نهادها راهی هستند که جامعه برمی گزیند و این راه تعیین می کند که یک جامعه به موفقیت می رسد یا خیر (سبحانی و بیات، ۱۳۹۶). حکمرانی مفهوم گسترده ای است که می توان به طور کلی توانایی دولت را برای ایجاد و اجرای قوانین و ارائه خدمات تعریف کرد (Fukuyama, 2013). به عبارت دیگر، حکمرانی دربرگیرنده فضای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی است که موجب می شود تا نهادهای مختلف در آن به تعامل با یکدیگر بپردازند. شاخص کلی حکمرانی برای نخستین بار توسط بانک جهانی ارائه شد. در این مطالعه، سه زیرشاخص حاکمیت قانون،

1. Rule of Law

کیفیت قوانین،^۱ و ثبات سیاسی^۲ به منظور اثرگذاری بر فساد مورد بررسی قرار گرفتند. شاخص حاکمیت قانون، میزان اعتماد به قوانین جامعه و به‌ویژه کیفیت اجرای قرارداد، حقوق مالکیت، پلیس و دادگاه‌ها، و نیز احتمال جرم و خشونت را اندازه‌گیری می‌کند (Gani & Scrimgeour, 2016). شاخص کیفیت قوانین، توانایی دولت را برای تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات صحیح و توسعه بخش خصوصی نشان می‌دهد (Gani & Scrimgeour, 2016). بر اساس این، قانون و نهادهای خوب، موجب کاهش فساد می‌شوند، چراکه نبود قوانین زمینه لازم برای انجام اقدام‌های غیرقانونی فراهم می‌سازد. شاخص ثبات سیاسی، بیانگر مفاهیمی است که دولت از راه اقدام‌های غیرقانونی موجب بی‌ثباتی در جامعه می‌شود (Kaufmann et al., 2009). بی‌ثباتی سیاسی، تداوم سیاست‌های جاری را از بین می‌برد و منجر به ایجاد فضایی جهت اقدام‌هایی خلاف قانون می‌شود. پس نبود حکمرانی خوب و نهادهای ضعیف در یک کشور می‌تواند موجب تشدید فساد شود.

بنابر مبانی نظری بیان شده، پژوهش حاضر به دنبال بررسی دو فرضیه زیر است:

فرضیه ۱: شاخص آزادسازی تجاری اثری منفی بر فساد کشورهای منتخب منا دارد.

فرضیه ۲: متغیرهای نهادی (حکمرانی) اثری منفی بر فساد کشورهای منتخب منا دارد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

الگوی نظری استفاده‌شده در پژوهش حاضر به منظور ارزیابی اثر آزادی تجاری بر فساد در گروه کشورهای منتخب منا و برگرفته از پژوهش‌های پیشین به صورت زیر تعریف شده است:

$$C_{it} = \beta_0 + \beta_1 Openness_{it} + \beta_2 X_{it} + \mu_i + \nu_t + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در آن، C_{it} بیانگر میزان فساد کشور i در زمان t ، $Openness_{it}$ نشان‌دهنده آزادسازی تجاری و X_{it} بیانگر دیگر متغیرهای مستقل هستند. در رابطه μ_i بیانگر اثرهای بین کشور، ν_t بیانگر اثرهای زمانی و ε_{it} نیز بیانگر جمله خطا است. بنابر ادبیات پژوهش، علامت آزادسازی تجاری مبهم است. الگوی تجربی مورد استفاده در پژوهش حاضر به صورت زیر است که بیانگر اثرهای درآمد سرانه افراد و متغیرهای نهادی بر فساد است (Majeed, 2014 Dong & Torgler, 2013):

$$C_{it} = \beta_0 + \beta_1 Openness_{it} + \mu_i + \nu_t + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

$$C_{it} = \beta_0 + \beta_1 Openness_{it} + \beta_2 Y_{it} + \mu_i + \nu_t + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

1. Regulatory Quality
2. Political Stability

$$C_{it} = \beta_0 + \beta_1 Openness_{it} + \beta_2 Y_{it} + \beta_3 RL_{it} + \mu_i + \nu_t + \varepsilon_{it} \quad (۴)$$

$$C_{it} = \beta_0 + \beta_1 Openness_{it} + \beta_2 Y_{it} + \beta_4 PS_{it} + \mu_i + \nu_t + \varepsilon_{it} \quad (۵)$$

$$C_{it} = \beta_0 + \beta_1 Openness_{it} + \beta_2 Y_{it} + \beta_5 RQ_{it} + \mu_i + \nu_t + \varepsilon_{it} \quad (۶)$$

$$C_{it} = \beta_0 + \beta_1 Openness_{it} + \beta_2 Y_{it} + \beta_3 RL_{it} + \beta_4 PS_{it} + \beta_5 RQ_{it} + \mu_i + \nu_t + \varepsilon_{it} \quad (۷)$$

در روابط بالا، افزون بر متغیرهایی که در رابطه (۱) معرفی شدند، اثر متغیرهای درآمد سرانه (Y_{it}) و متغیرهای نهادی چون حاکمیت قانون (RL_{it})، ثبات سیاسی دولت (PS_{it}) و کیفیت مقررات (RQ_{it}) بر فساد سنجیده شده است.

جمع آوری داده

برای دستیابی به اهداف پژوهش، داده‌های کشورهای منتخب منطقه منا (ایران، اردن، امارات متحده عربی، بحرین، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، و لبنان) برای دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۳ استفاده شده است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش که دربرگیرنده اطلاعات سری زمانی چند کشور است، الگوی داده‌های تابلویی (پانل) با بهره‌گیری از روش‌های اثرهای ثابت و تصادفی مورد استفاده قرار گرفته است که نتایج پژوهش با بسته نرم‌افزاری STATA14 برآورد شده است. در جدول (۲) افزون بر خلاصه آماری داده‌ها نحوه اثرگذاری متغیرهای توضیحی بر متغیر وابسته نیز نشان داده شده است. اطلاعات مربوط به متغیر وابسته (فساد) از سازمان شفافیت بین‌المللی و داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل (آزادسازی تجاری، درآمد سرانه، حاکمیت قانون، ثبات سیاسی دولت، کیفیت مقررات) از بانک جهانی استخراج شده است. همان‌طور که دیده می‌شود، عراق و قطر به ترتیب بیشترین و کمترین میزان فساد را دارند. همچنین دیده می‌شود که در میان کشورهای مورد بررسی، ایران از کمترین میزان آزادسازی تجاری برخوردار است، در حالی که امارات بیشترین میزان آزادسازی تجاری را به خود اختصاص داده است.

جدول ۲: خلاصه آماری داده‌ها و جهت اثرگذاری مورد انتظار متغیرهای توضیحی

منبع	علامت مورد انتظار	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانگین	متغیر
متغیر وابسته						
سازمان شفافیت بین‌المللی	۱۵/۸	۲۳/۰ قطر (۲۰۱۰)	۸۷/۰ عراق (۲۰۰۸)	۵۵/۹	فساد
متغیرهای توضیحی						
بانک جهانی	-/+	۳۰/۳	۴۲/۲ ایران (۲۰۱۱)	۱۷۸/۲ امارات (۲۰۱۳)	۱۰۱/۱	آزادسازی تجاری
بانک جهانی	-/+	۲۲/۱	۰/۹ عراق (۲۰۰۳)	۹۶/۷ قطر (۲۰۱۴)	۲۲/۸	درآمد سرانه
بانک جهانی	-/+	۰/۸	-۱/۹ عراق (۲۰۰۷)	۱/۰ قطر (۲۰۱۳)	۰/۰	حاکمیت قانون
بانک جهانی	-/+	۱/۱	-۳/۲ عراق (۲۰۰۴)	۱/۲ قطر (۲۰۱۲)	-۰/۳	ثبات سیاسی دولت
بانک جهانی	-/+	۰/۸	-۱/۷ ایران (۲۰۰۹)	۱/۰ امارات (۲۰۱۴)	۰/۰	کیفیت مقررات

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج

پیش از برآورد الگو، نیاز است تا ابتدا ایستایی متغیرها به منظور اجتناب از برآورد رگرسیون کاذب مورد بررسی قرار گیرند. از آن‌جا که در این پژوهش، تعداد مقطع‌ها (۱۰ کشور) کمتر از دوره زمانی (۱۲ سال) است، آزمون لوین، لین و چو (Levin et al., 2002) (LLC) نتایج سازگارتی دارد. بر اساس نتایج آزمون‌ها در جدول (۳)، مقدار محاسباتی آماره آزمون‌ها از مقدار بحرانی بیشتر بوده و همه متغیرها در سطح ایستا هستند و فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد رد می‌شود.

جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد متغیرهای الگو بر اساس آزمون لوین، لین و چو (LLC)

متغیر	آماره	سطح معناداری	وضعیت ایستایی
متغیر وابسته	۲/۱۷۴-	۰/۰۱۵	ایستا در سطح
آزادسازی تجاری	۲/۳۱۲-	۰/۰۱۰	ایستا در سطح
درآمد سرانه	۲/۵۰۳-	۰/۰۰۶	ایستا در سطح
متغیر توضیحی	۲/۹۱۸-	۰/۰۰۲	ایستا در سطح
ثبات سیاسی	۱/۷۶۴-	۰/۰۳۹	ایستا در سطح
کیفیت مقررات	۲/۵۰۶-	۰/۰۰۶	ایستا در سطح

منبع: یافته‌های پژوهش

پس از بررسی ایستایی متغیرها، آزمون‌های اثرهای فردی F و هاسمن به منظور تشخیص نوع الگو برای هر شش الگو انجام پذیرفت که نتایج آن برای هر الگو در جدول (۲) نشان داده شده است. از آنجا که مقدار آماره محاسباتی آزمون اثرهای فردی در هر شش الگو بیشتر از مقدار F جدول است، فرض صفر مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدا رد می‌شود. به عبارت دیگر، عرض از مبداها متفاوت بوده و استفاده از الگوی Pool ناسازگار و ناکارآمد است. در مرحله بعد، برای مشخص کردن این که برای تخمین مدل از روش اثرهای ثابت یا تصادفی (Fixed-Random Effect) استفاده شود، از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج آزمون هاسمن، بیانگر رد فرض صفر در الگوهای (۱)، (۲)، و (۴) بوده که گویای کارآمدی برآورد با روش اثرهای ثابت است، در حالی که در الگوهای (۳)، (۵)، و (۶) فرض صفر رد نشده و روش اثرهای تصادفی نتایج سازگارتری به همراه دارد. همچنین در ادامه، برای هر شش الگو اثرهای ثابت زمانی مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج آزمون گویای وجود اثرهای ثابت زمانی در الگوهای (۲) و (۴) است. در پایان هر شش الگو با توجه به آزمون‌های انجام‌شده، برآورد شدند که نتایج آن در جدول (۴) نشان داده شده است.

نتایج الگوی (۱) که تنها اثر آزادسازی تجاری بر فساد مورد ارزیابی قرار گرفته است، بیانگر این است که در کشورهای منتخب منا، آزادسازی تجاری اثر منفی و معناداری بر فساد دارد. به عبارتی، افزایش آزادسازی تجاری موجب کاهش فساد می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر اقتصادهای بسته این گروه کشورها است که موجب می‌شود، تاجران به منظور انجام تجارت به رفتارهای خلاف قانون همانند پرداخت رشوه برای دستیابی به سهم تجارت اقدام کنند. نتایج محاسبه‌شده در هر شش الگوی برآوردشده گویای این حقیقت است که آزادسازی تجاری این کشورها می‌تواند فساد را

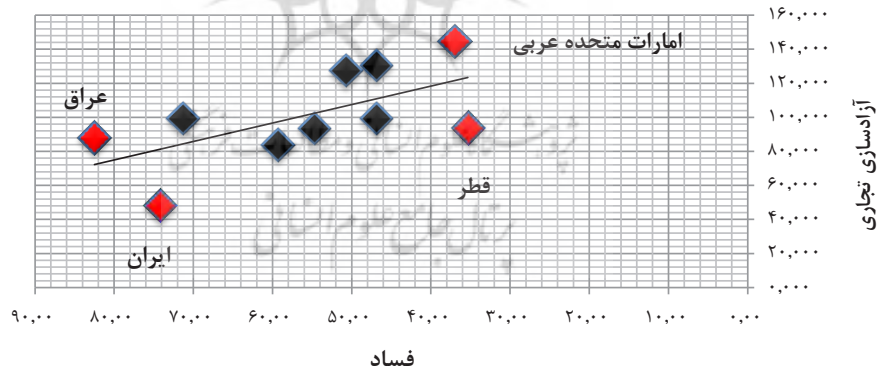
کاهش دهد. نتایج به دست آمده منطبق با دیدگاه نخست و همسو با نتایج پژوهش‌های آدس و دی تلا (۱۹۹۷؛ ۱۹۹۹)، بوناگلیا و همکاران (۲۰۰۱)، دات (۲۰۰۹)، دونگ و تروگلر (۲۰۱۳)، گورگور و شاه (۲۰۱۴) و بادینگر و نیندل (۲۰۱۴) است. از دیگر رو، این نتیجه بیانگر این است که ارتباط با کشورهای دیگر به ویژه کشورهایی با شفافیت اقتصادی بالاتر که میزان فساد در آن‌ها کمتر است، موجب می‌شود که این کشورها در قراردادهای تجاری خود حساسیت بالاتری نشان داده که این امر فساد کمتری را نشان می‌دهد. چراکه وجود رفتارهایی با شفافیت پایین می‌تواند در بلندمدت ایجادکننده این شرایط باشد که این بازارها روند تجاری خود را با کشورهای با فساد بالا کاهش دهند. همچنین در نمودار (۱)، نتایج به دست آمده از رگرسیون نیز قابل مشاهده است. به عبارتی، کشوری همانند امارات که آزادی اقتصادی به مراتب بیشتری نسبت به ایران و عراق دارد با فساد پایین تری روبرو است.

جدول ۴: نتایج مولفه‌های اثرگذار بر فساد

متغیرها و آزمون‌ها	الگو ۱	الگو ۲	الگو ۳	الگو ۴	الگو ۵	الگو ۶
آزادسازی تجاری	-۰/۰۵۹**	-۰/۰۶۸**	-۰/۰۷۵***	-۰/۰۷۴***	-۰/۰۸۶***	-۰/۰۸۶***
درآمد سرانه	-	-۰/۲۵۰***	-۰/۰۶۷	-۰/۱۰۸*	-۰/۲۱۲***	-۰/۰۸۰*
حاکمیت قانون	-	-	-۱۴/۷۵۸***	-	-	-۶/۵۷۷**
ثبات سیاسی	-	-	-	-۵/۳۰۲***	-	-۴/۰۶۵***
کیفیت مقررات	-	-	-	-	-۱۰/۰۷۱***	-۰/۶۳۷
جزء ثابت	۶۱/۸۳۳***	۶۳/۹۴۴***	۶۵/۳۷۲***	۶۴/۱۰۴***	۶۵/۱۰۴***	۶۳/۳۱۸***
آزمون چاو (F لیمر)	۸۹/۲۷	۴۱/۷۴	۱۰/۲۳	۸/۱۱	۱۹/۹۱	۶/۲۶
	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)
آزمون هاسمن	۹/۱۴	۱۱/۹۸	۴/۹۰	۱۲/۸۴	۵/۴۷	۳/۵۶
	(۰/۰۰۲)	(۰/۰۰۲)	(۰/۱۷۹)	(۰/۰۰۵)	(۰/۱۴۱)	(۰/۶۱۴)
آزمون اثرهای ثابت زمانی	۰/۹۷	۱/۹۱	۱۶/۴۷	۱/۳۴	۲۲/۸۰	۱۴/۳۹
	(۰/۴۸۳)	(۰/۰۴۸)	(۰/۱۲۴)	(۰/۲۱۶)	(۰/۰۱۹)	(۰/۲۱۲)
آماره F	۴/۱۰	۲/۱۸	-	۷/۲۷	-	-
	(۰/۰۴۵)	(۰/۰۱۶)	-	(۰/۰۰۰)	-	-
آماره والد	-	-	۱۱۹/۹۸	-	۷۷/۸۷	۱۶۰/۶۴
	-	-	(۰/۰۰۰)	-	(۰/۰۰۰)	(۰/۰۰۰)
ضریب تعیین	۰/۳۸۹	۰/۷۰۲	۰/۹۲۳	۰/۹۳۸	۰/۸۷۱	۰/۹۵۳

منبع: یافته‌های پژوهش ($p > 0.1$, $** = 0.05$, $*** = 0.01$)

در الگوهای (۳) تا (۵) به ترتیب اثر کیفیت نهادی کشورها (الگو (۳)؛ حاکمیت قانون، الگو (۴)؛ ثبات سیاسی و الگو (۵)؛ کیفیت مقررات) بر فساد سنجیده شده است. نتایج به دست آمده بیانگر اثر منفی و معنادار این شاخص‌ها بر فساد است. به عبارتی دیگر، کاهش شاخص‌های نهادی افزایش فساد را در پی دارد. نتایج نشان‌دهنده اثر کاهنده حاکمیت قانون بر فساد همسو با نتایج الباناساوی و رویر^۱ (۲۰۱۲) و مجید (۲۰۱۴) است که بیان داشتند کشورهایی که از سطح بالاتری از حاکمیت قانون برخوردارند، با فساد کمتری مواجه هستند. همچنین، سراج^۲ (۲۰۰۶)، لدرمن و همکاران^۳ (۲۰۰۵) و پارک^۴ (۲۰۰۳) مشابه با نتایج پژوهش حاضر بر اهمیت مثبت سیاسی بر کاهش فساد تاکید دارند و بیان می‌کنند که کشورهایی با شرایط بی‌ثبات، محیطی مناسب را برای سودجویان فراهم می‌آورند. نتایج نشان‌دهنده این است که درآمد افراد در یک کشور اثر منفی و معناداری بر فساد دارد. هرچه میزان درآمد سرانه در کشورها بیشتر باشد، فساد کاهش یافته و با کاهش آن فساد افزایش می‌یابد. این موضوع بیانگر این است که درآمد پایین افراد یک جامعه انگیزه آن‌ها را برای فساد افزایش می‌دهد. از آن‌جا که درآمد افراد اصلی‌ترین عامل رفاه انسان‌ها به‌شمار می‌رود و بدون درآمد کافی نمی‌توان پاسخی مناسب به نیازهای اولیه برای تامین رفاه داد، انگیزه برای رفتارهای غیرهمسو با قوانین (فساد) بیش از پیش رواج می‌یابد. این نتایج همسو با نتایج گرینگ و تاکر^۵ (۲۰۰۴)، پلگرینی و گرلاق (۲۰۱۱)، الباناساوی و رویر (۲۰۱۲) و مجید (۲۰۱۴) است.



نمودار ۱: رابطه بین فساد و آزادسازی تجاری در گروه کشورهای منتخب منا

1. Elbahnasawy & Revier
2. Serra
3. Lederman *et al.*
4. Park
5. Gerring & Thacker

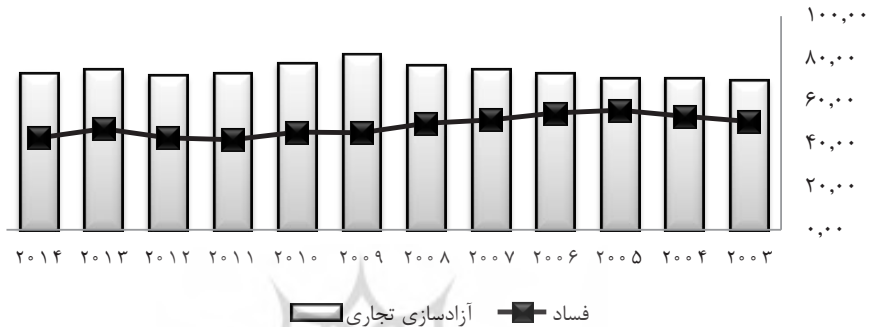
بحث و نتیجه گیری

امروزه فساد از مهم‌ترین بحث‌های پیش‌رو برای هر کشوری است که اثرگذاری بالایی بر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی جامعه دارد که در بلندمدت نارضایتی اجتماعی را به همراه دارد. همچنین، رشد روزافزون فساد از مهم‌ترین موانع توسعه پایدار هر کشوری به‌شمار می‌رود. از این‌رو، پژوهش‌های متعددی به منظور شناسایی مولفه‌های اثرگذار بر فساد انجام شد (Pellegrini & Gerlagh, 2011; Serra, 2006; Elbahnasawy & Revier, 2012). یکی از مولفه‌هایی که امروزه به عنوان مهم‌ترین ابزار موثر برای کاهش فساد نام برده می‌شود، آزادسازی تجاری کشورها است. پژوهشگران بر این باورند که روابط میان کشورها نیز اثر قابل توجهی بر این متغیر دارد. ولی برخلاف باور بسیاری از پژوهشگران عده‌ای از صاحب‌نظران به این موضوع با دیده تردید نگرستند (Majeed, 2014; Alfano et al., 2016). به بیانی دیگر، صاحب‌نظران دو دیدگاه متفاوت در این حوزه ارائه کردند که دیدگاه اول، بیان‌کننده اثر منفی آزادسازی تجاری بر فساد است در حالی که دیدگاه دوم، گویای این است که این اثر مثبت بوده و هرچه آزادسازی افزایش یابد، فساد درون کشورها افزایش می‌یابد. با وجود بررسی‌هایی که در سال‌های اخیر در این حوزه انجام شده است، تاکنون پژوهشی به ارزیابی آزادسازی تجاری بر فساد کشورهای مناد نداشته است و این پژوهش به دنبال تکمیل و بررسی این موضوع است. از این‌رو، نتایج آن می‌تواند راهکارهایی کاربردی برای قانونگذاران، سیاستمداران و اقتصاددانان داشته باشد. پژوهش حاضر تلاش می‌کند که این موضوع را در گروه کشورهای منتخب منطقه مناد مورد ارزیابی و بررسی قرار دهد.

نتایج که با استفاده از داده‌های ۱۰ کشور منتخب در دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۳ محاسبه شدند، نشان می‌دهد که آزادسازی تجاری کشورها موجب کاهش فساد می‌شود. به عبارتی دیگر، هرچه میزان تجارت میان کشورها افزایش یابد، فساد آن‌ها کاهش می‌یابد. این موضوع از این دریچه بیان‌پذیر است که با افزایش آزادسازی تجاری میزان روابط کشورها با دیگر کشورها افزایش یافته و نیاز است تا قوانین کشورها برای برقراری ارتباط با یکدیگر همگرا و همسو باشند. از این‌رو، برای دستیابی به بازارهای خارجی بیشتر، نیاز است تا مقررات و نهادهای نظارتی مستحکم‌تری شکل گیرند تا میزان فساد کاهش یابد.

همچنین، نتایج بیانگر اثر منفی درآمد سرانه کشورها و کیفیت پایین شاخص‌های نهادی بر فساد بوده است. درآمد سرانه پایین افراد جامعه آن‌ها را به منظور تامین نیازهای اولیه خود به سمت فعالیت‌های مغایر با قانون سوق می‌دهد که این رفتارها در جامعه فراگیر شده و جامعه با پدیده‌های نامناسبی چون پرداخت رشوه روبرو می‌شود. همچنین، در سطوح کلان شاخص‌های نهادی چون حاکمیت قانون در یک کشور، کیفیت مقررات و ثبات سیاسی دولت در کشورها اثری فزاینده بر فساد دارند. به‌گونه‌ای که همان‌طور

نشان داده شد، دو کشور قطر و عراق به ترتیب کمترین و بیشترین میزان فساد را به خود اختصاص دادند؛ در حالی که شاخص‌های آزادسازی تجاری آن‌ها نزدیک به یکدیگر بوده است. پس می‌توان بیان کرد که متغیرهای نهادی و تفاوت درآمد سرانه، مولفه‌های اصلی برای این تفاوت به‌شمار می‌رود.



نمودار ۲. فساد و آزادسازی تجاری در ایران

در پایان، با وجود آن‌که در گروه کشورهای مورد بررسی در منطقه منا، ایران به لحاظ شاخص فساد در شرایط مناسبی قرار ندارد، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

بنابر نمودار (۲)، ایران در سال‌هایی که از آزادی تجاری مناسبی برخوردار بوده است، با فساد پایین نیز روبرو است. برای کاهش فساد پیشنهاد می‌شود که در سیاست‌های محدودکننده تجارت همانند تعرفه‌های واردات با دقت بیشتری عمل شود و سیاستگذاران اقدام‌های مناسبی به منظور بهبود روابط تجاری و افزایش روابط میان ایران و شرکای تجاری اجرایی کنند. کاهش موانع وارداتی چون کاهش تعرفه واردات، تسهیل صادرات محصولات و مشوق‌های صادراتی همانند یارانه‌های صادراتی می‌تواند صادرکنندگان را به صادرات بیشتر تشویق کند.

درآمد سرانه از دیگر متغیرهای اثرگذار بر فساد بوده است. توصیه می‌شود که با ایجاد محیط‌های مناسب شغلی، شرایط کسب درآمد بالا از راه‌های سالم برای همه افراد جامعه و متناسب با میزان توانمندی آن‌ها و امکان دستیابی به شرایط رفاهی مناسب فراهم شود. این شرایط می‌تواند تقویت‌کننده رفتارهای مناسب و کاهش‌دهنده انگیزه‌های فساد در میان افراد یک جامعه باشند.

با توجه به اهمیت کیفیت نهادی بر کاهش فساد، پیشنهاد می‌شود که با ایجاد سیاست‌های مناسب، راهکارهایی برای افزایش کیفیت مقررات، ثبات حاکمیت قانون، و ثبات سیاسی در نظر گرفته شود تا

زمینه‌های انگیزشی فساد کاهش یابد. چراکه در محیط‌های باثبات و امنیت قانونی، فرصت رفتارهای مغایر با قانون نبوده و همه افراد خود را در قبال قانون وضع‌شده مسئول می‌دانند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های تجربی در حوزه انواع فساد و اثرگذاری آن بر بازار داخلی و بین‌المللی انجام گیرد.

منابع

الف) فارسی

سبحانی، حسن و بیات، سعید (۱۳۹۶) مقایسه تاثیر بهبود نهادهای سیاسی و اقتصادی بر درآمد سرانه کشورهای صنعتی و نفتی. *نشریه برنامه‌ریزی و بودجه*، سال نوزدهم، شماره ۱، صص ۱۵۰-۱۷۷.

غفاری، مجتبی. (۱۳۹۳)، راهکارهای کاهش فقر: رهیافتی در اقتصاد نهادگرایی. *نشریه برنامه‌ریزی و بودجه*، سال نوزدهم، شماره ۴، صص ۲۱۵-۲۴۲.

ب) انگلیسی

- Ades, A., & Di Tella, R. (1997). The New Economics of Corruption: a Survey and Some New Results. *Political Studies*, 45(3): pp.496-515.
- Ades, A., & Di Tella, R. (1999). Rents, Competition, and Corruption. *American Economic Review*, 89(4): pp.982-993.
- Akça, H., Ata, A. Y., & Karaca, C. (2012). Inflation and Corruption Relationship: Evidence from Panel Data in Developed and Developing Countries. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 2(3): pp.281-295.
- Alam, M. S. (1989). Anatomy of Corruption: An Approach to the Political Economy of Underdevelopment. *American Journal of Economics and Sociology*, 48(4): pp.441-456.
- Alfano, M. R., Baraldi, A. L., & Cantabene, C. (2018). The Effect of Fiscal Decentralization on Corruption: A Non-linear Hypothesis. *German Economic Review*, 20(1): pp.105-128.
- Badinger, H., & Nindl, E. (2014). Globalization and Corruption, Revisited. *The World Economy*, 37(10): pp.1424-1440.
- Bhagwati, J. N. (1982). Directly Unproductive, Profit-Seeking (DUP) Activities. *Journal of Political Economy*, 90(5): pp.988-1002.
- Bhagwati, J. N., & Srinivasan, T. N. (1980). Revenue Seeking: A Generalization of the Theory of Tariffs. *Journal of Political Economy*, 88(6): pp.1069-1087.
- Bliss, C., & Tella, R. D. (1997). Does Competition Kill Corruption? *Journal of Political Economy*, 105(5): pp.1001-1023.
- Bonaglia, F., Braga de Macedo, J., & Bussolo, M. (2001). How Globalization Improves Governance. *Working Paper No. 181*.
- Braun, M., & Di Tella, R. (2004). Inflation, Inflation Variability, and Corruption. *Economics & Politics*, 16(1): pp.77-100.
- Campos, N. F., Estrin, S., & Proto, E. (2010). Corruption as a Barrier to Entry: Theory and Evidence. *CEPR Discussion Paper*, 8061.

- d'Agostino, G., Dunne, J. P., & Pieroni, L. (2016). Corruption and Growth in Africa. *European Journal of Political Economy*, 43(1): pp.71-88.
- De Jong, E., & Bogmans, C. (2011). Does Corruption Discourage International Trade? *European Journal of Political Economy*, 27(2): pp.385-398.
- De Rosa, D., Goroochurn, N., & Görg, H. (2015). Corruption and Productivity: Firm-Level Evidence. *Jahrbücher für Nationalökonomie und Statistik*, 235(2): pp.115-138.
- Dong, B., & Torgler, B. (2013). Causes of Corruption: Evidence from China. *China Economic Review*, 26(1): pp.152-169.
- Dreher, A., Kotsogiannis, C., & McCorriston, S. (2007). Corruption around the World: Evidence from a Structural Model. *Journal of Comparative Economics*, 35(3): pp.443-466.
- Dutt, P. (2009). Trade Protection and Bureaucratic Corruption: an Empirical Investigation. *Canadian Journal of Economics/ Revue canadienne d'économie*, 42(1): pp.155-183.
- Elbahnasawy, N. G., & Revier, C. F. (2012). The Determinants of Corruption: Cross-Country-Panel-Data Analysis. *The Developing Economies*, 50(4): pp. 311-333.
- Fukuyama, F. (2013). What is Governance? *Governance*, 26(3): pp.347-368.
- Gani, A., & Scrimgeour, F. (2016). New Zealand's Trade with Asia and the Role of Good Governance. *International Review of Economics & Finance*, 42(1): pp.36-53.
- Gatti, R. (2004). Explaining Corruption: are Open Countries Less Corrupt? *Journal of International Development*, 16(6): pp.851-861.
- Gerring, J., & Thacker, S. C. (2004). Political Institutions and Corruption: The Role of Unitarism and Parliamentarism. *British Journal of Political Science*, 34(2): pp.295-330.
- Gupta, S., Davoodi, H., & Alonso-Terme, R. (2002). Does Corruption Affect Income Inequality and Poverty? *Economics of Governance*, 3(1): pp.23-45.
- Gurgur, T., & Shah, A. (2014). Localization and Corruption: Panacea or Pandoras Box. *Annals of Economic and Finance*, 15(1): pp.109-136.
- Habib, M., & Zurawicki, L. (2002). Corruption and Foreign Direct Investment. *Journal of International Business Studies*, 33(2): pp.291-307.
- Johnson, S., Kaufmann, D., & Zoido-Lobaton, P. (1998). Regulatory Discretion and the Unofficial Economy. *The American Economic Review*, 88(2): pp.387-392.
- Jong-Sung, Y., & Khagram, S. (2005). A Comparative Study of Inequality and Corruption. *American Sociological Review*, 70(1): pp.136-157.
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2009). *Governance Matters VIII: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2008*-. The World Bank.
- Krueger, A. O. (1974). The Political Economy of the Rent-Seeking Society. *The American Economic Review*, 64(3): pp.291-303.
- Lederman, D., Loayza, N. V., & Soares, R. R. (2005). Accountability and Corruption: Political Institutions Matter. *Economics & Politics*, 17(1): pp.1-35.
- Leff, N. H. (1964). Economic Development through Bureaucratic Corruption. *American Behavioral Scientist*, 8(3): pp.8-14.
- Levin, A., Lin, C. F., & Chu, C. S. J. (2002). Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite-sample Properties. *Journal of econometrics*, 108(1): pp. 1-24.
- Lui, F. T. (1985). An Equilibrium Queuing Model of Bribery. *Journal of Political Economy*, 93(4): pp.760-781.
- Majeed, M. T. (2014). Corruption and Trade. *Journal of Economic Integration*, 29(4): pp.759-782.

- Majeed, M. T. (2016). Migrant Remittances and Corruption: An Empirical Analysis. *Pakistan Journal of Applied Economics*, 26(1): pp.15-41.
- Mashal, A. M. (2011). Corruption and Resource Allocation Distortion for “ESCWA” Countries. *International Journal of Economics and Management Sciences*, 1(4): pp.71-83.
- Méon, P.-G., & Sekkat, K. (2005). Does Corruption Grease or Sand the Wheels of Growth? *Public Choice*, 122(1-2): pp.69-97.
- Musila, J. W., & Sigué, S. P. (2010). Corruption and International Trade: An Empirical Investigation of African Countries. *World Economy*, 33(1): pp.129-146.
- Nguyen, N. A., Doan, Q. H., Nguyen, N. M., & Tran-Nam, B. (2016). The Impact of Petty Corruption on Firm Innovation in Vietnam. *Crime, Law and Social Change*, 65(4-5): pp.377-394.
- Okafor, C., Smith, L. M., & Ujah, N. U. (2014). Kleptocracy, Nepotism, Kakistocracy: Impact of Corruption in Sub-Saharan African Countries. *International Journal of Economics and Accounting*, 5(2): pp.97-115.
- Park, H. (2003). Determinants of Corruption: A Cross-National Analysis. *Multinational Business Review*, 11(2): pp.29-48.
- Pellegrini, L., & Gerlagh, R. (2011). Causes of Corruption: a Survey of Cross-Country Analyses and Extended Results *Corruption, Development and the Environment* (pp. 29-51): Springer.
- Reinikka, R., & Svensson, J. (2005). Fighting Corruption to Improve Schooling: Evidence from a Newspaper Campaign in Uganda. *Journal of the European Economic Association*, 3(2-3): pp.259-267.
- Rose-Ackerman, S. (2013). *Corruption: A Study in Political Economy*: Academic Press.
- Saha, S., & Ali, M. S. B. (2017). Corruption and Economic Development: New Evidence from the Middle Eastern and North African Countries. *Economic Analysis and Policy*, 54(1): pp.83-95.
- Sassi, S., & Ali, M. S. B. (2017). Corruption in Africa: What Role does ICT Diffusion Play. *Telecommunications Policy*, 41(7-8): pp.662-669.
- Seker, M., & Yang, J. S. (2012). *How Bribery Distorts Firm Growth: Differences by Firm Attributes*: The World Bank.
- Serra, D. (2006). Empirical Determinants of Corruption: A Sensitivity Analysis. *Public Choice*, 126(12-): pp.225-256.
- Shleifer, A. & Vishny, R. (1993). Corruption. *Quarterly Journal of Economics*, 108, pp. 599–617.
- Tavares, S. C. (2007). Do Rapid Political and Trade Liberalizations Increase Corruption? *European Journal of Political Economy*, 23(4): pp.1053-1076.
- Torrez, J. (2002). The Effect of Openness on Corruption. *Journal of International Trade & Economic Development*, 11(4): pp.387-403.
- Transparency International. (2018). Global Corruption Report.
- Treisman, D. (2000). The Causes of Corruption: a Cross-National Study. *Journal of Public Economics*, 76(3): pp.399-457.
- World Bank. (2016). World Bank Data base.

The Effect of Openness on Corruption in the Selected MENA Countries

Mohammadreza Kohansal¹ | Kohansal@um.ac.ir
Milad Aminizadeh² | Milad.aminizadeh@mail.um.ac.ir

Abstract Corruption is one of the most important determinant factors in economic fields, specifically in trade; and nowadays, it is crucial to know what factors reinforce or mitigate it. Trade openness is an influencing factor on corruption, and the extant literature has two different general perspectives facing that. The first perspective emphasizes that openness has a negative impact on corruption, while the second idea believes that such impact is positive. Hence, the aim of this paper is to answer this question: “what is the effect of openness on corruption in selected MENA countries?” To this end, our analysis is based on panel data that covered 10 MENA countries for 2003–2014. The results indicate that, along with the negative effect of per capita income and institutional quality such as ruling law, political stability and regulation quality, the effect of openness is also negative and significant. In other words, increase and expansion of trade and creating a competitive environment, as well as interacting with countries with systemic structure and less corruption, contributes to improving the institutional and legal environment in the MENA countries, so that, consequently, corruption would decrease. Accordingly, since the rank of Iran in openness and corruption is tenth and second among ten countries respectively, it is recommended that reducing trade barriers such as import tariff and creating a free market, would result in the fall of corruption through reducing monopoly rents of authorities in the field of trade, especially in imports.

Keywords: Openness, Corruption, MENA Countries, Panel Data, Ruling Law, Political Stability, Law Quality.

JEL Classification: C23, D73, F14.

1. Professor of Agricultural Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, (Corresponding Author).
2. Ph.D. Student of Agricultural Economics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.